

نقش تشکیل خانواده در کمال اجتماعی انسان از دیدگاه اسلام

سید عصمت الله ملکوتی^۱

چکیده

ازدواج و تشکیل خانواده از اموری است که در مکتب نورانی و سعادت بخش اسلام توجه زیادی به آن نشان داده شده است و نقش بسیار مهم و مؤثری در کمال اجتماعی انسان دارد. این مقاله با هدف بررسی نقش تشکیل خانواده در کمال اجتماعی انسان از دیدگاه اسلام، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آیات و روایات در این زمینه پرداخته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تشکیل خانواده نقش مؤثری در کمال اجتماعی انسان دارد. براساس آموزه‌های اسلامی تشکیل خانواده عامل برای کمال مرد و زن و تأمین کننده نیازهای مادی و معنوی آنان است. ازدواج‌های سنجیده با در نظر گیری معیارهای اسلامی باعث رشد، بالندگی و کمال اجتماعی انسان می‌گردد، بالندگی جامعه انسانی با تشکیل خانواده تداوم می‌باید و زمینه برای ایجاد محیط و جامعه سالم فراهم می‌گردد. اگر افرادی که به سن بلوغ رسیده‌اند، به موقع ازدواج کنند، فضایی جامعه سالم‌تر شده و زمینه برای تربیت نسل‌های آینده آماده می‌گردد. با تشکیل خانواده، نسل بشر تداوم، بقا و پرورش یافته و جامعه از فرزندان پاک و قانونی برخوردار می‌شود و خلأیی که بر اثر مرگ نسل سابق به وجود می‌آید، به وسیله نسل جدید پر می‌شود و نوع بشر از خطر نابودی مصون می‌ماند و زمینه پرورش نسل سالم و صالح فراهم می‌گردد و روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی گسترش پیدا می‌کند.

کلید واژه: خانواده، تشکیل خانواده، کمال اجتماعی، اسلام.

^۱دانش آموخته سطح ۴ حوزه و دکتری قرآن و علوم تربیتی جامعه المصطفی

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است، سنت دیرینه‌ای که در آن زن و مرد زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و پیمان می‌بندند که مصاحب و یاورهم باشند. در واقع ازدواج سرآغاز تشکیل خانواده است، خانواده یکی از قدیمی‌ترین «نهادهای اجتماعی» است که به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران؛ تاریخی به قدمت حیات انسان دارد، به لحاظ اهمیت و نقشی که این نهاد در سلامت امنیت و تداوم حیات جامعه دارد، همواره یکی از موضوعات مورد علاقه و توجه متفکران اجتماعی و تاریخی بوده است. (بیابانگرد، ۱۳۸۵، ص ۸۳)

ازدواج به عنوان عرف اجتماعی، پایه و اساس جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد و موجبات رشد و تکامل اجتماعی را فراهم می‌آورد، خانواده به عنوان سلول‌های تشکیل دهنده پیکره جامعه اگر سالم و کارآمد باشد، سلامتی و سعادت جامعه را در پی دارد و زمینه را برای تولید نسل سالم و پرورش افراد صالح در جامعه فراهم می‌کند و موجبات گسترش روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی را مهیا می‌سازد.

۱. تولید نسل و پرورش افراد سالم در جامعه

یکی از فوائد ازدواج که باعث تکامل جامعه انسانی می‌شود، تداوم، بقاء و پرورش سالم نسل بشر است. آمیزش زن و مرد وسیله‌ای طبیعی برای تولید و پرورش نسل است، با پیوند ازدواج، فرزندان پاک و قانونی تولید می‌شود و خلایی که بر اثر مرگ نسل سابق به وجود می‌آید، به وسیله نسل جدید پرمی‌شود و نوع بشر از خطر نابودی و انقراض مصون می‌ماند، خداوند حکیم در قرآن کریم به این حکمت اشاره نموده است. «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (بقره/۲۲۳) زنان شما کشتزار شما هستند پس، از هر جا و هر گونه که می‌خواهید به کشتزار خود در آیید. در این آیه اشاره زیبایی به هدف نهایی آمیزش جنسی کرده، می‌فرماید: همسران شما محل بذر افشانی شما هستند، بنابراین هر زمان بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید.

در این آیه نطفه‌ی مرد به بذر قابل پرورش و رحم زن به زمین بذر پرور تشبیه شده است، چنان که انسان بدون کشت و زرع از بین می‌رود و در معرض نابودی قرار می‌گیرد، جامعه بشری نیز بدون وجود زن و مرد و ازدواج آنها و تکثیر نسل نابود می‌گردد. (قرائتی، ۱۳، ج ۱، ص ۳۵۴)

در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند، این تشبیه، ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام در باره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است، در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته شده است، در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی را نشان دهد که زن وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۲۴) کارهای طبیعی انسان بر اساس انگیزه‌های مادی صورت می‌گیرد ولی پشت این انگیزه‌ها اهداف اصلی هست که قرآن کریم او را به آنها توجه می‌دهد و پیامدهای طبیعی اعمال را ره‌گذاری برای آن اهداف می‌داند.

برای نمونه انگیزه طبیعی انسان از تحصیل مواد خوراکی و پختن آنها که کاری دشوار است، رفع گرسنگی و لذت غذا خوردن است، با آنکه انگیزه اصیل از خوردن غذا حفظ حیات فردی انسان است و خدای حکیم برای اینکه انسان رنج گردآوری و آماده سازی غذا را بپذیرد، انگیزه‌ای در او ایجاد کرده و مزد کاری به او داده است و آن اینکه از خوردن غذا لذت ببرد و از این راه با دست خود انسان جان او را حفظ می‌کند که هدف اصلی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۱، ص ۱۸۶)

همچنین خدای حکیم برای حفظ نوع و نسل آدمی نیز که تلاش و رنج فراوان می‌خواهد، همین گونه عمل کرده است و برای پیدایش، حفظ، سرپرستی، پرورش و تربیت کودک که امور دشواری است، لذا ید جنسی و عواطف انسانی خاصی قرار داده است تا بشر این کار سنگین را برعهده بگیرد و گرنه انسان حاضر نبود کودک را با همه مشکلاتش پروراند. پس این علاقه‌مندی مرد به زن و فرزند که در نهاد او گذاشته شده است، برای تولید، حفظ و پرورش نسل انسان است. (همان)

در ادامه همین آیه می‌افزاید (وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ) با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح، آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید. اشاره به این که هدف نهایی از ازدواج و آمیزش جنسی لذت و کامجویی آنی تنها نیست، بلکه باید از این موضوع، برای پرورش فرزندان شایسته استفاده کرد و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردایی قیامت از پیش فرستاد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۹۷) در آیه دیگری نیز به موضوع تولید نسل در سایه ازدواج اشاره شده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً» (نحل/۷۲) و خدا

برای شما از خودتان همسرانی قرار داده و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد. این خود یکی از نشانه های بزرگ تدبیر پروردگار و ربوبیت و ولایت او است، که برای انسان‌ها همسرانی از جنس خودشان آفریده، که از یکسو مایه آرامش روح و جان او هستند، و از سوی دیگر مایه بقاء نسل، تکثیر مثل و تداوم وجود جامعه بشری. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص ۳۶۶)

مسئله تولید نسل در احادیث اسلامی نیز سخت مورد توجه واقع شده است، روایات متعدد منسوب به پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرات ائمه معصومین (ع) است که از اهمیت اولاد در زندگی اجتماعی خبر داده است. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) چنین نقل شده است که فرمود: «اطْلُبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمَسُّوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَ رِيحَانَةُ الْقَلْبِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْعَجَزَ وَ الْعَقْرَ» (طبرسی، ۱۹۷۲، ص ۲۱۴) فرزند بخواهید، زیرا فرزند مایه روشنایی چشم و میوه دل است و از وصلت با پیره زن و زنان نازا حذر کنید.

در رایت دیگری رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ أَلُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۱) ازدواج کنید و بچه دار شوید که من در برابر امت‌های دیگر، به شما مباحثات می‌کنم حتی به فرزندی که سقط شده است. و نیز آن حضرت فرمود: «وَلَلْمَوْلُودُ مِنْ أُمْتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» (همان) فرزندی که در امت من به دنیا می‌آید، نزد من محبوبتر است از هرچه که خورشید بر آن طلوع می‌کند.

بنابراین، یکی از اهداف مهم ازدواج و تشکیل خانواده، استمرار نسل انسانی و پرورش افراد برای آینده جامعه است، که دین مقدس اسلام نیز بر آن تأکید کرده است. اما آنچه مطلوب اسلام است تنها تولید و تکثیر نسل نیست، بلکه آنچه مهمتر از آوردن فرزند است تربیت و تحویل نسل صالح و شایسته برای جامعه است.

از جمله اموری که دختر و پسر جوان پس از ازدواج باید به آن توجه کنند این است که فرزند دار بشوند و آن را به شیوه‌ای مطلوب، صالح و شایسته پرورش دهند. قرآن کریم در مورد تربیت و پرورش افراد شایسته وظیفه سنگینی را متوجه سرپرست خانواده نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ» (تحریم ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید. نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر، و فراهم ساختن محیط پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده یعنی از مقدمات ازدواج،

و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۴، ص ۱۲۴)

به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی، مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

قابل توجه اینکه تعبیر به «قوا» (نگاه دارید) اشاره به این است که اگر آنها را به حال خود رها کنید، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند، شما هستید که باید آنها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. مخصوصاً در عصر ما که امواج کوبنده فساد در بیرون خانواده بسیار قوی و خطرناک است، برای خنثی کردن آنها از طریق تعلیم و تربیت خانوادگی باید برنامه ریزی اساسی و دقیق انجام گیرد. در حدیثی می‌خوانیم: هنگامی که آیه فوق نازل شد، کسی از یاران پیامبر (ص) سؤال کرد: چگونه خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ حضرت فرمود: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَفَّيْتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ» (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۷۲) آنها را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی اگر از تو پذیرفتند آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند وظیفه خود را انجام داده‌ای.

در این زمینه حدیث جامع و جالب دیگری از رسول خدا (ص) آمده است: «أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (همان) بدانید! همه شما نگهبانید، و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید، مسئولید، امیر و رئیس حکومت اسلامی نگهبان مردم است و در برابر آنها مسئول است، مرد نگهبان خانواده خویش است و در مقابل آنها مسئول است، زن نیز، نگهبان خانواده شوهر و فرزندان است و در برابر آنها مسئول می‌باشد، بدانید! همه شما نگهبانید و همه شما در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید مسئولید! همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: «علموا أنفسكم وأهليكم الخير و أدبواهم». خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید. (همان)

از روایات فوق، به خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزندان خویش، مسئولیت سنگینی دارد، و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه و انحراف باز دارد و به نیکی‌ها دعوت نماید، نه این که تنها به تغذیه جسم آنها قناعت کند.

در حقیقت اجتماع بزرگ از واحدهای کوچکی تشکیل می‌شود که خانواده نام دارد، و هرگاه این واحدهای کوچک که رسیدگی به آن آسان‌تر است اصلاح گردد، کل جامعه اصلاح می‌شود، و این مسئولیت نیز در درجه اول به دوش پدران و مادران است. آنچه از روایات استفاده می‌شود نسل صالح و شایسته، مطلوب جامعه و خانواده است و پرورش افراد سالم و صالح در جامعه زمینه پیشرفت، ترقی و تکامل یک جامعه را فراهم می‌سازد.

رسول گرامی اسلام (ص) ضمن بیانی لطیف فرزند شایسته را روزی و رحمتی از سوی خدا دانسته که میان بندگانش قسمت فرموده: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۸). و همچنین رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ» (همان). فرزند صالح، گلی از گل های بهشت است. در بیان صادق آل رسول (ع) نیز فرزند نیکو از جلوه‌های سعادت انسان به شمار آمده است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ» (همان، ص ۳۵۹)

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَهُ أَجْرُهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ وَ سُنَّةٌ هُدًى سَنَّاهُ فِيهَا تَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ وَ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ» (همان، ج ۱۶، ص ۱۷۴) هیچ گونه اجر و پاداشی بعد از مرگ به دنبال انسان نمی‌آید مگر سه چیز: صدقه جاریه‌ای که در حیات خود فراهم ساخته و بعد از مرگش ادامه دارد و سنت هدایت‌گری که آن را برقرار کرده و بعد از مرگ او به آن عمل می‌کنند، و فرزند صالحی که برای او استغفار کند.

بنابراین، یکی از ثمرات بزرگ ازدواج، وجود فرزند و تولید و ابقای نسل آدمی است، و این امر را نباید کوچک شمرد، زیرا هدف آفرینش جهان، وجود انسان و پرورش و تکامل اوست. تولید و پرورش انسان‌های خدا پرست، و موحد و نیکوکار و صالح، مطلوب خدای جهان آفرین است. از دیدگاه اسلام وجود فرزند صالح، برای پدر و مادر عمل صالح محسوب می‌شود که در سعادت و کمال دنیا و آخرت آنها موثر خواهد بود. با پرورش افراد سالم و صالح در جامعه زمینه‌های رشد، شکوفایی و تکامل جامعه فراهم خواهد شد.

۲. سلامت و امنیت اجتماعی

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از ارزشمندترین و مقدس‌ترین اقدامات برای هر انسان تلقی می‌شود، به گونه‌ای که هیچ اقدام اجتماعی دیگری را نمی‌توان از جهت ارزش، با آن مقایسه کرد، خانواده یک گروه و واحد اجتماعی است و در برگیرنده بیشترین عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی می‌باشد.

ازدواج و تأسیس کانون خانوادگی، برای سلامت، امنیت و سعادت اجتماع سودمند و ضروری است، هرگاه جوان ها به موقع ازدواج کنند، به کانون گرم خانواده دل ببندند و بنیاد خانواده مستحکم باشد، به گونه‌ای قابل ملاحظه ای از فسادها، انحرافات، بی بندوباری‌ها، تجاوزهای جنسی، قتل و جنایت‌ها کاسته خواهد شد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۶۶) بدون تردید ازدواج و تأسیس کانون خانواده برای سلامت و امنیت جامعه مفید بوده و زمینه ارتکاب جرم و بزه‌کاری را کمتر می‌کند و آماری که توسط محققان علوم اجتماعی در کشور انگلستان ارائه می‌گردد مؤید این مطلب می‌باشد.

در یک تحقیق میدانی که بر روی ۵۰۰ نفر از جوانان انجام گرفت این نتیجه به دست آمد، که جوانان بعد از ازدواج و تشکیل خانواده کمتر به انجام اعمال مجرمانه روی می‌آورند، خلاف و جرم در آنان کاهش می‌یابد و در مقابل، افرادی که مجرد هستند به اعمال خلاف و بزه‌کاری اجتماعی بیش‌تر روی می‌آورند و زمینه کارهای ناهنجار در آنان بیشتر است. (همان)

یکی از انگیزه‌های مهم ازدواج، تأمین سلامت جسم و روان زن و مرد از طریق ارضای نیازهای جسمانی و روانی است، نیاز به آرامش خاطر، نیاز به معاشرت، نیاز به گفتن درد دل برای کسی که او را به درستی درک کند، نیاز به تشویق و تمجید، نیاز به مقبولیت و مورد توجه واقع شدن، نیاز به محبت و ... اگر بدرستی و به موقع ارضا نشوند و از جاده اعتدال خارج گردند، نابسامانی‌ها و زیان‌های فراوانی را در زندگی فردی و اجتماعی پدید می‌آورند و سلامت و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد. (بیابانگرد، ۱۳۸۵، ص ۴۴)

ازدواج، از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد آرامش و سکون آدمی و عامل اصلی تعادل وجود انسان است، ازدواج به زندگی زن و مرد جهت می‌بخشد و مرد و زن نگران، مضطرب و سرکش را آرام ساخته، موجبات حفظ سلامت تن و روان آنان را فراهم می‌کند و در نتیجه موجبات سلامت و امنیت اجتماعی فراهم می‌شود. (همان)

بنابراین تشکیل خانواده، مطمئن‌ترین راه برای سلامت و امنیت جامعه است، هنگامی که مبانی خانواده مستحکم باشد و جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده بپردازند، انحطاط، سرگردانی، طغیان و شیوع بیماری‌های خطرناک از قبیل ایدز که طاعون قرن لقب گرفته است، به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد. بر اساس آمار بهداشت جهانی و پژوهش کانون‌های اصلاح و تربیت ایران، بیش‌تر افرادی که به انحراف کشیده می‌شوند، از فضایی گرم و عاطفی خانواده محروم بوده و آغوش محبت پدر و مادر را تجربه نکرده‌اند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴)

هر گونه تغییر مثبت یا منفی در خانواده در جامعه بزرگ انسان‌ها نیز تأثیر مستقیم دارد. ثبات یا بی ثباتی خانواده، مستقیماً بر جامعه تأثیر گذار است، در جوامع که ارزش های خانواده متزلزل است، بدون شک ارزش های اخلاقی عمومی نیز سقوط خواهد کرد. (همان، ص ۱۹۵) از این روست که در اسلام این همه تشویق و ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده شده است و از تجرد و بدون خانواده زیستن مذمت شده است.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب به شخصی بنام عکاف می فرماید: «أَنْتَ قَالَ لِرَجُلٍ اسْمُهُ عَكَافٌ أَلَاكَ زَوْجَةٌ قَالَ لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَا فَأَنْتَ مُوسِرٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ تَزَوَّجْ وَإِلَّا فَأَنْتَ مِنَ الْمُدْبِیِّینَ». (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱) پیامبر خدا (ص) به مردی بنام عکاف فرمود: آیا همسر داری؟ عرض کرد: خیر ای رسول خدا، پرسید، آیا کنیز داری؟ عرض کرد: نه، یا رسول الله، پرسید: آیا توان مالی داری؟ عرض کرد: آری، پیامبر (ص) فرمود: ازدواج کن و گر نه از گنه کاران هستی.

همچنین روایت دیگری از امام رضا (ع) نقل شده است که می فرماید: «أَنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَتْ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي مُتَبَتِّلَةٌ قَالَ لَهَا وَمَا التَّبْتُ قَالَ: لَا أُرِيدُ التَّزْوِیجَ أَبَدًا. قَالَ: وَلِمَ قَالَتْ: التَّمَسُّ فِي ذَلِكَ الْفَضْلِ، فَقَالَ: انْصَرَفِي، فَلَوْ كَانَ فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) أَحَقُّ بِهِ مِنْكَ، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ». (همان، ص ۲۱۹) امام رضا (ع) می فرماید: زنی به امام باقر (ع) عرض کرد: خدایت نیکو گرداند، من زن تارک دنیا هستم حضرت فرمود: منظورت از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد: نمی خواهم هرگز ازدواج کنم، حضرت پرسید چرا؟ عرض کرد: در ترک ازدواج، به دنبال کسب فضیلت هستم، حضرت فرمود: دست بردار، اگر در این کار فضیلتی بود، فاطمه (س) از تو سزاوارتر به آن بود، هیچ کس نیست که در فضیلت بر او سبقت گیرد.

و در روایت دیگری نیز که از وجود مبارک پیامبر اعظم (ص) به ما رسیده است در مذمت تجرد و مجرد ماندن می فرماید: «شِرَارُكُمْ عَزَابُكُمْ وَ أَرَاذِلُ مَوْتَاكُمْ عَزَابُكُمْ». (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۶) بدترین شما عذاب های شمایند و فرومایه ترین مردگان شما عذاب های شمایند. و همچنین پیامبر گرامی اسلام می فرماید: بیشتر افراد اهل جهنم مجردها هستند. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۰، ص ۲۰) این احادیث به روشنی دلالت می کنند که مجرد ماندن در صورتی که عذری وجود نداشته باشد از گناهان است، و هیچ گونه فضیلتی بر آن مترتب نیست و بدترین افراد مجردها دانسته شده اند و بیشترین افراد اهل جهنم از مجردها دانسته شده اند و از این روایات استفاده می شود که ناهنجاری در میان مجردها بیشتر است و لذا گرفتار آتش شده اند و وقتی گناه و ناهنجاری از طریق مجردها بیش تر شود، امنیت اجتماعی و سلامت روانی اجتماع به مخاطره می افتد.

بنابراین ازدواج و تشکیل خانواده سنگ اول بنای حیات جامعه است، هرگونه اقدام و رشد اجتماعی در سایه خانواده حاصل می‌شود، عامل ثبات و سازش اجتماعی است و سعادت جامعه تا حدود زیادی در گرو آن است. خانواده، کانونی است که در آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و زمینه‌های رشد و شکوفایی جامعه فراهم می‌شود. در حقیقت ازدواج یک اشتراک و همکاری میان پسر و دختر است، برای ایجاد کانون گرم خانواده که با این صمیمیت و صفا، روح مرد و زن آرام می‌گیرد، استعدادهای نهفته شکوفا می‌شود و به حقایق زندگی نزدیک‌تر می‌شوند، و برای پیمودن سعادت حقیقی مهیا می‌گردند و در نتیجه سلامت و امنیت جامعه نیز بهتر تأمین می‌شود.

۳. گسترش روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی

یکی از آثار اجتماعی دیگری که بر ازدواج مترتب است، نقش آن در گسترش روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی است، ازدواج زمینه ساز توسعه و گسترش ارتباطات اجتماعی و افزایش بستگان سببی است. خویشاوندی سببی از قدمت، عمومیت و گستره قابل توجهی برخوردار است، این نوع از خویشاوندی، بر پایه ازدواج، میان مرد با بستگان همسر و متقابلاً میان زن با خویشاوندان، شوهر به وجود می‌آید. در اثر ازدواج، رابطه جدیدی ایجاد می‌شود که دو شاخه خویشاوندی را در پی دارد، یعنی با تولد فرزندان و استمرار نسل آنان خویشاوندی نسبی یا خونی گسترش می‌یابد و همچنین در هرازدواج، خویشاوندی سببی پدید می‌آید که بین هر یک از زن و مرد با افراد جدیدی برقرار می‌شود. (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۶۱)

هرچه ازدواج‌هایی غیر فامیلی بیشتر شود رابطه‌های بیش‌تری میان مردم پدید می‌آید، روابط انسانی در اکثر موارد بر پایه ارتباطاتی استوار می‌شود که از خویشاوندی‌های سببی ناشی می‌شود. پیدائی و بسط شبکه خویشاوندی سببی، موجب می‌شود که فرد یا خانواده از انزوای اجتماعی بیرون آید و پیوند خانواده‌ها با یکدیگر به بسط وفاق اجتماعی و در نهایت بقای جامعه منتهی شود از این طریق تعاون طبیعی توسعه می‌پذیرد و خود موجبات قوام و گسترش روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد. (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶)

در عصر حاضر هر چند خانواده هسته‌ای گسترش پیدا کرده و شهر نشینی و زیاد شدن فاصله‌ها، موجب تقویت این نوع خانواده شده است، ولی در تعالیم اسلام خانواده را در رابطه با خویشاوندان در نظر می‌گیرد و در صدد است محدودیت‌های ناشی از خانواده هسته‌ای را در پرتو روابط با خویشاوندان به عنوان جزئی از نظام خانواده جبران کند.

از وظائف مهم زن و مرد پس از ازدواج، برقراری روابط مطلوب با خویشاوندان همسر به ویژه والدین او است، برقراری روابط مناسب با خویشان همسر نقش مهم و در عین حال مؤثری در تقویت و گسترش روابط اجتماعی دارد. دین اسلام راهکارهایی برای تقویت خویشاوندی‌های سببی دارد، بر اساس تعالیم اسلام والدین همسر فرد، پدر و مادر او به حساب می‌آیند و رعایت احترام و حقوق آنها لازم است. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۸۴)

از سوی دیگر، والدین باید روابط مناسبی با داماد یا عروس خود داشته باشند، اگر فرد، داماد را پسر خود و عروس را دختر خود بداند، برقراری روابط عاطفی بین آنها استحکام بیشتری خواهد داشت. خوشاوندی یکی از ویژگی‌های عام جوامع انسانی است و به همین دلیل نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار انسانی و تشکیل گروه‌های اجتماعی بازی می‌کند. توسعه ارتباطات و رفت و آمد با بستگان، علاوه بر اینکه موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی می‌گردد، آثار زیادی را در پی دارد، از آن جمله است: ارتباطات خوشاوندی و دید و بازدید فامیلی باعث محبت و دوستی در بین اعضای فامیل و خویشاوندان شده و یکی از نیارهای روان‌شناختی انسان یعنی نیاز به تعلق خاطر را ارضا می‌کند.

آبرهام مزلو، روانشناس غربی، نیازی را به عنوان «نیاز به تعلق داشتن» مطرح می‌کند که این نیاز به روش‌های متعددی قابل ارضاء است، از طریق روابط دوستانه با دیگران، ارتباط با همسر، ارتباطات اجتماعی، که یکی از بهترین راه‌های ارضاء این نیاز ارتباط با خویشاوندان است، و اعضای فامیل با اظهار محبت و علاقه‌مندی به همدیگر، موجب شادی و نشاط و کارآمدی یکدیگر می‌گردند، و این ارتباطات باعث گسترش دوستی و محبت می‌شود، زیرا هر چقدر انسانها با همدیگر مجاورت و ارتباط داشته باشند و به یکدیگر اظهار علاقه کنند، دوستی و محبت شان پایدار می‌شود. (تقوی، ۱۳۸۲، ص ۷۴)

ارتباطات خوشاوندی زمینه‌های ارتباطات عاطفی و انسانی را توسعه داده و افراد را در شبکه‌ای از روابط منطقی قرار می‌دهد. وقتی خوشاوندان در جمعی صمیمی حضور پیدا می‌کنند و داد و ستد عاطفی برقرار می‌کنند، نیازهای روانی و عاطفی آنان ارضا شده و احساس محبویت و ارزندگی می‌کنند، این احساسات مثبت و انرژی حاصل از آن باعث نشاط درونی و پالایش روح و رفع اندوه می‌گردد.

ارتباط صمیمانه با دیگران خصوصاً اقوام و خویشاوندان، امکان و توفیق بهره‌گیری مناسب و شایسته از سرمایه‌های وجودی آنان، کاهش آلام و نگرانی‌های ناشی از احساس غربت در میان جمع انسان‌ها، برخورداری از امنیت خاطر به وجود آمده از پشتیبانی و حمایت همه جانبه و مخلصانه آنان به هنگام بروز حوادث و گرفتاری‌ها،

پراکردن صحت اوقات فراغت در نتجه بر قرارى تعاملات مستمر با يكدیگر و... از جمله عوامل هستند كه مى توانند فرد را تا حد زیادى در برابر بروز برخى آسیب‌هاى روانى - عاطفى بيمه نمایند و باعث رفع حزن و اندوه او گردد. (همان)

بنابراین، خویشاوندی سببى، گونه‌اى از خویشاوندی است كه از ازدواج میان زن و مرد ناشى مى‌شود، و سبب گسترش روابط اجتماعى از طریق خویشاوندی مى‌شود، این افراد به علت وجود خویشاوندی، از لحاظ عاطفى، اجتماعى، اقتصادى و فرهنگى، به هم نزدیک مى‌شوند و شبکه‌اى بنام شبکه خویشاوندی تشكيل مى‌دهند و بدین وسیله از همدیگر پشتیبانى مى‌کنند و نسبت به هم حقوق، تكالیف و مسئولیت‌هاى دارند.

به سخن دیگر، خویشاوندی مجموعه‌اى از روابط و مناسبات اجتماعى، اقتصادى و عاطفى را میان عده‌اى از افراد به وجود مى‌آورد و از این طریق باعث گسترش روابط اجتماعى مى‌گردد.

نتیجه‌گیرى:

ازدواج و تشكيل خانواده از دیدگاه اسلام در راستای تكامل فردى و اجتماعى انسان در نظر گرفته شده است، اسلام به شهادت آیات و روایات متعدد كوشیده است نگاه تكاملی به ازدواج را میان انسان‌ها گسترش دهد این مدعا از تعبیر مختلف آیات و روایات اسلامى با دلالت‌هاى صریح یا تلویحى استفاده مى‌شود.

ازدواج خواسته‌اى طبیعى است كه همه جوامع بشرى و ادیان آسمانى بر آن صحنه نهاده‌اند، بدون تردید ازدواج یكى از بزرگترین و مهمترین رویدادهای زندگى هر انسانى است كه موفقیت یا شكست در آن برای هر يك از زوجین سرنوشت ساز خواهد بود. ازدواج از جمله امورى است كه آدمى را به سوى كمال اجتماعى سوق مى‌دهد.

از دیدگاه اسلام زن و مرد در نقش‌ها و مسئولیت‌هاى كه برعهده دارند، چه از نگاه فردى و چه اجتماعى، مكمل همدیگر هستند. از نگاه اسلام ازدواج با در نظر گیرى معیارهاى اسلامى باعث رشد، بالندگى و كمال اجتماعى انسان مى‌گردد، بالندگى جامعه انسانى با ازدواج و تشكيل خانواده تداوم مى‌یابد و زمینه برای ایجاد محیط و جامعه سالم فراهم مى‌گردد، ازدواج موجب سلامت، سعادت و امنیت اجتماعى مى‌گردد.

ازدواج و تشكيل خانواده كانون پرورش اولاد سالم و صالح را پى ریزى مى‌کند و نسل بشر تداوم، بقا و پرورش یافته و جامعه از فرزندان پاک و قانونى برخوردار مى‌شود و خلأیى كه بر اثر مرگ نسل سابق به وجود مى‌آید به

وسیله نسل جدید پر می شود و نوع بشر از خطر نابودی مصون می ماند و زمینه پرورش نسل سالم و صالح فراهم می گردد و روابط اجتماعی از طریق خویشاوندی گسترش یافته پیوندهای اجتماعی جدیدی به وجود می آید.

منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
۲. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۴.
۲. بیابانگرد، اسماعیل، جوانان و ازدواج، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۳. تقوی، نعمت الله، جامعه شناسی خانواده، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
۴. جمعی از نویسندگان، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، جلد اول، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۸۶.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۹۵.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۷. حویزی، عبدالعلی، نور الثقلین، قم، مطبعة الحکمه، ۱۳۸۳.
۸. ساروخانی، باقر، مقدمه بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ ۱۳، ۱۳۸۹.
۹. سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۱۰. طبرسی، ابونصر حسین بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، منشورات الرضی، ۱۹۷۲م.
۱۱. قرائتی، محسن، تفسر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۸۴.
۱۲. مجلسی، محمد باقری، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۹۸۳م.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.